

سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجده میلادی

آرمین علیمردانی^۱

مصطفی واحدی^۲

محمد رضا بهروزی^۳

چکیده

در طول تاریخ، هرگاه قانونی برای جرم ارتكابی افراد به وجود آمده، نشان‌دهنده ایجاد مسئولیت کیفری افراد بوده است. اما این مسئولیت در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است. در این تحقیق به مطالعه‌ای تاریخی در سیر تکوین مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجدهم پرداخته شده و به مواردی چون منبع و منشأ قوانین، مقایسه قوانین گذشته با قوانین فعلی، اشتباهات تاریخی قانون‌گذاران در تبیین قانون و علت‌یابی برخی ناهنجاری‌های قانونی اشاره گردیده است. این مطالعه کمک می‌کند تا نگاه انتقادی به شکل‌گیری قانون را قوت بخشیم و با مقایسه قواعد معاصر و کهن، عیب‌های قواعد موجود را حذف کنیم و به پیشرفت قانون‌گذاری امیدوار باشیم. این تحقیق با سؤالاتی چون «امکان سنجی تغییر شگرف مسئولیت کیفری در قوانین آینده»، «بررسی احتمال بازگشت و استفاده دوباره از قوانین گذشته» و «بررسی ضرورت استفاده قانون‌گذار در حین قانون‌گذاری از قوانین» مواجه است.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری، مسئولیت کیفری، تاریخ، مقایسه قوانین.

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق، دانشگاه UNSW سیدنی (استرالیا). armin.alimardany@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت الله آملی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

مقدمه

در طول تاریخ، هرگاه قانونی برای جرم ارتكابی افراد به وجود آمده، نشان‌دهندهٔ ایجاد مسئولیت کیفری افراد بوده‌است. اما این مسئولیت در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده‌است. زمانی حتی لوازمی مانند تبر را مسئول می‌دانسته‌اند. حیوانات نیز در دوره‌ای از تاریخ دارای مسئولیت بودند. با گذشت زمان، مسئولیت از اجسام و حیوانات برداشته‌شد و بحث مسئولیت کودکان و افراد مجنون مطرح شد. پس از آن نیز مسئولیت تقلیل یافته^۴ افراد با پیشرفت علم و درک حالت‌های روانی انسان‌ها به میان آمد.

مسئولیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام امری است و مسئول کسی است که تعهدی در قبال دیگری به عهده دارد که اگر از ادای آن سر بازبزند بازخواست می‌شود. بنابراین مسئولیت همواره با التزام همراه است. در قلمرو حقوق جنایی، محتوای این التزام تقبل آثار و عواقب افعال مجرمانه است؛ لیکن به صرف ارتكاب جرم نمی‌توان بار مسئولیت را یکباره بر دوش مقصر گذاشت؛ بلکه ابتدا باید بتوان او را سزاوار تحمل این بار سنگین دانست و تقصیری را که مرتکب شده به حساب او گذاشت و سپس او را مؤاخذه کرد. توانایی پذیرش بار تقصیر را حقوق‌دانان قابلیت انتساب^۵ می‌نامند^۶.

در این پژوهش، سیر تحول مسئولیت کیفری، از حیوانات به افراد و همچنین نوع بینش در مورد انواع مجازات‌ها در ادوار مختلف تاریخی پیش از قرن هجدهم میلادی، بررسی خواهد شد. به‌علاوه، نویسندگان سعی بر این داشته‌اند تا با توجه به اطلاعات در دسترس، تصور بنیان‌گذاران قوانین کیفری را از مجازات افراد ذکر کنند. برای مثال، در دوره‌ای پیشگیری از مجازات اهمیتی نداشته‌است، درحالی که در دورهٔ دیگر این امر مهم می‌شود. همچنین شخصی بودن مجازات، اصلاح مجرم، تفاوت در میزان مسئولیت افراد مختلف و مانند آن در ادوار مختلف به تدریج ایجاد شده‌است. بطور خلاصه هدف محققان این اثر، نشان دادن

۴. Diminished responsibility

۵. Attribution capability

۶. محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷۴، محمد جعفر حبیب زاده و حسین فخر بناب، «مقایسهٔ عوامل موجب جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری»، فصلنامهٔ مدرس، دوره ۹، ش ۳، ۱۳۸۴

اهمیت مطالعه تاریخی سیر تحول مسئولیت کیفری بر قانون گذاری است.

الف) در حقوق بین النهرین باستان

تمدن انسان بر روی زمین سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. اما سرمنشأ تمدن جدید بشر از ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، با ابداع خط آغاز می‌شود. کشور سومر (حدوداً عراق کنونی) کهن‌ترین قوانینی را که می‌شناسیم به جای نهاده‌است؛ یعنی دقیقاً نظام حقوقی دولت‌های بین‌النهرین جنوبی در هزاره سوم ق.م. که زبان سومری را حفظ کرده بودند. خاستگاه‌های این نظام قطعاً بسیار قدیمی‌ترند، لیکن برای ما، از آنجایی که مدارکی در این خصوص وجود ندارد، دست‌نیافتنی هستند. کنار گذاشتن این نظام باید مصادف با سقوط سومین سلسله اور (حدوداً ۲۰۰۰ سال ق.م.) باشد، در عصری که در زبان سومری دیگر زبان زنده نبود. با این همه کنار گذاشتن این نظام به هیچ روی به معنای پایان تأثیر آن نیست؛ زیرا طی هزاران سال، از طریق ادبیات خط میخی و از طریق قانون کتاب مقدس و حتی قانون خاخامی ادامه حیات داد. تأثیر این نظام به طور قوی در دولت‌هایی که طی دوره بابل قدیم (حدود ۱۹۵۰-۱۶۵۰ ق.م.) جانشین هم شدند، آشکار است؛ زیرا در این دوره زبان سومری به عنوان زبان حقوقی به کار می‌رفت. بهترین نوع شناخته شده منابع حقوقی این دوران و مشهورترین آن‌ها قانون‌نامه‌های خط میخی‌اند که عبارت‌اند از:

۱. قانون‌نامه اور- نمو به زبان سومری، قرن ۲۱ ق.م. (حدود ۲۱۰۰ ق.م.) در ۳۷ بند؛ ۲- قانون‌نامه لیپیت-ایشتر به زبان سومری، قرن ۱۹ ق.م. (حدود ۱۹۳۰ ق.م.) در ۳۸ بند؛ ۳- قانون‌نامه اشنونا به زبان اکدی، قرن ۱۸ ق.م. (حدود ۱۷۷۰ ق.م.) در ۶۰ ماده یا بند؛ ۴- قانون‌نامه حمورابی به زبان اکدی، قرن ۱۸ ق.م. (اندکی پیش از ۱۷۵۰ قبل میلاد) در ۲۸۲ ماده؛ ۵- قوانین هیتی‌ها به زبان هیتی، قرن ۱۳ ق.م. (روایت قدیم حدود ۱۶۵۰ تا ۱۵۰۰ ق.م. و روایت متأخر ۱۵۰۰ تا ۱۱۸۰ ق.م.) در ۲۰۰ ماده؛ ۶- قوانین آشوری میانه به زبان اکدی، قرن ۱۲ ق.م. (حدود ۱۰۷۶ ق.م.) کلاً نزدیک به ۱۲۰ بند^۷.

در این قسمت به بررسی هر یک از این قانون‌نامه‌ها می‌پردازیم.

۱. قانون‌نامه ی اور-نمو

اور-نمو، شاه اور (اور سوم) یا شاید پسر وی شولگی، قانون‌نامه‌ای را منتشر کرد که تا کنون

۷. حسین بادامچی، «قتل در قوانین باستانی: بحثی در تاریخ حقوق»، مجله حقوقی دادگستر، ش ۳۳، ۱۳۷۹،

از طریق سه نسخه بر روی الواحی مربوط به دوره بابل قدیم، به طور ناقص و شکسته به دست ما رسیده است. بخش حفظ شده این قانون نامه شامل مقدمه و ۳۲ ماده قانونی است. مقدمه اشاره می کند که چگونه پادشاه از سوی خدا برای حکومت مأمور شده است؛ سپس موارد سوء استفاده های رایج را بیان کرده، اعلام می کند که بی عدالتی را از میان برداشته، انصاف را در کشور برقرار ساخته، شهرهای مختلفی را از سلطه خارجی آزاد نموده و اوزان و مقیاس ها را قانونی کرده است.^۸ سلسله اورنمو سرآغاز آخرین دوره خلافت و شکوفایی ادبیات سومری بود. اگرچه برخی نمونه های همزمان از این تلاش بدیع در کاوش های اخیر شهر باستانی نیپور^۹ در معرض دید آمده، بیشتر محصول ادبی و علمی این دوره تنها از طریق نسخه هایی به دست ما رسیده که در مدارس نویسندگی نیپور و اور در حدود دو تا سه سده بعد، یعنی بین ۱۸۰۰ و ۱۷۰۰ ق.م، نوشته شده است. فهرست موضوعات قانون نامه را می توان چنین خلاصه نمود: مجازات مرگ برای قتل، اعمال گوناگون غیرقانونی و ممنوع، مسئله مالکیت فرزندان حاصل از ازدواج اشخاص آزاد و بردگان، جرائم جنسی، ازدواج، جراحات جسمانی و مسئله تعیین دیه، نافرمانی و سرکشی بردگان، شهادت دروغ و جرائم کشاورزی^{۱۰}. بررسی قوانین اورنمو که از آغازی ترین قوانین موجود بشری محسوب می گردد، دارای دو نکته قابل توجه است. اول اینکه این قوانین دارای مقدمه است که در آن سعی در توجیه قدرت قانون گذار (پادشاه) و دلیل ایجاد قانون (اهمیت) در بین مردم دارد. بنابراین، مقبولیت قانون از ابتدایی ترین موضوعاتی است که در قوانین فعلی شاید به آن اندازه که باید، توجه نمی شود. به عبارت دیگر در این دوران شاید بتوان گفت قوانین برآیند وجدان جمعی جامعه بدوی بودند. دوم، وجود تشابه در قوانین فعلی و قوانین آن زمان، به خاستگاه ایجاد برخی از قوانین فعلی اشاره دارد که از جمله آن ها می توان به شهادت دروغ و جرائم جنسی اشاره کرد.

۲. قانون نامه لیپیت-ایشتر

پادشاهی که پشتیبان انتشار این مجموعه قانون بود، لیپیت-ایشتر (دوران حکومت ۱۹۳۴-

۸. ریموند وستبروک، «حقوق سومری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مندرج در: تاریخ حقوق کیفری بین النهرین (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص ۳۸ - ۳۹.

۹. Nippur.

۱۰. ریموند وستبروک و دیگران، تاریخ حقوق بین النهرین باستان آغاز قانون گذاری، ترجمه گودرز افتخار جهرمی و دیگران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، صص ۲۹، ۳۱.

سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجده میلادی ۱۱۳

۱۹۲۴ ق.م.) نام دارد. او پنجمین فرمانروای نخستین سلسله شهر ایسین بود، که پس از سقوط سومین سلسله اور بنیان گذارده شد. از این قانون نامه، مقدمه، مؤخره و تقریباً ۵۰ ماده در دست است. مقدمه مشتمل بر خودستایی لیپیت-ایشتر درباره لطف و کرم خویش نسبت به تمام سومر و اکد است. وی از شهرهای بین النهرین جنوبی که تحت لوای حکومت مشروع و الهی وی هستند نام می برد، و بر نقش خود در مقام احیاگر عدالت و نظم اجتماعی تأکید می کند؛ بنابراین به راحتی در این قوانین نیز می توان به اهمیت نقش مقبولیت قانون گذار و قانون توجه کرد. ماده های نخستین که مسلماً به این مجموعه تعلق دارند، به قایق ها می پردازند و در ادامه قوانینی راجع به کشاورزی، بردگان فراری، شهادت دروغ، ازدواج و حقوق مالی مربوط مطرح می شود.^{۱۱}

۳. قانون نامه اشنونا

در سال ۱۹۴۸، طه باقر، رئیس موزه عراق، اعلام کرد که «ضمن عملیات حفاری در تپه حرمل، دو لوحه قانونی یافتند که از لوحه لیپیت-ایشتر کهن تر است.» پیشتر به غلط تصور می شد که این مجموعه متعلق به پادشاهی است که شاید ۷۰ سال پیش از لیپیت-ایشتر می زیسته و بنابراین تاریخ آن را در حدود دو قرن مقدم بر قانون حمورابی می دانستند. اما در نتیجه مطالعات اخیر معلوم شد قانون نامه متعلق به دوران یکی از پادشاهان اشنونا به نام ددوشا است که از معاصران اوایل حکومت حمورابی محسوب می شده و لذا تاریخ تقریبی قانون اشنونا را ۱۷۷۰ ق.م. تعیین کردند. این قانون نامه چنان که از منابع موجود معلوم است، مقدمه یا مؤخره ای ندارد. قانون نامه مشتمل بر مقرراتی است که به موضوعات فراوانی می پردازد، از جمله مسئولیت مستأجر، مسائل کشاورزی، سرقت، حقوق زناشویی، جرائم جنسی، جرائم علیه اموال، جراحات جسمانی، سگان گزنده و دیوارهای در حال فرو ریختن^{۱۲}. فقدان مقدمه در این قانون نشانه این امر است که با گذشت زمان لزومی در پیشرفته شدن قوانین وجود ندارد و گاه پیش می آید که قانون گذاران به برخی از جنبه های قانون گذاری توجه نمی کنند.

۴. قانون نامه حمورابی

۱۱. وستبورک و دیگران، همان، صص ۴۷ - ۴۸.

۱۲. مارتا ت راس و دیگران، «قوانین اشنونا: یادگار حقوق دانان باستانی»، ترجمه حسین بادامچی، مجله حقوق دادگستر، ش ۳۷، ۱۳۸۰، صص ۸۳ - ۸۴.

حمورابی یک آموری^{۱۳} بود که در سال ۱۷۹۲ پیش از میلاد جانشین پادشاهی پدر خود بر بابل گردید. پس از حدود ۴۰ سال حکومت، کاتبان و استادکاران او یک اثر تاریخی بزرگ و از لحاظ کمی، با هیبت آفریدند: کتیبه‌ای به بلندای ۲ متر و ۲۵ سانتیمتر از جنس بازالت سیاه که بر روی آن پیامی به صورت نوشتاری و تصویری حک شده بود. این کتیبه تاریخی که در ادبیات امروزی، به نام کتیبه حمورابی شناخته می‌شود، خود را کتیبه^{۱۴} یا کتیبه منقش نامیده است.^{۱۵}

حمورابی قانون را خود به خود وضع نکرده؛ بلکه قانون او مجموعه‌ای است از قوانین و ادیان پیشین، که با گذشت سده‌ها و سیر زمان و قانون تکامل رفته‌رفته به این صورت درآمده است.^{۱۶} قانون‌نامه حمورابی یکی از نشانه‌های بارز استفاده از قوانین نظام‌های دیگر برای پیشرفت هرچه بیشتر است و اهمیت مطالعه سیر تاریخی قانون‌گذاری را بار دیگر به ما گوشزد می‌کند.

در مجازات بابلی‌ها نامی از زندان برده نشده و کیفرها به صورت جریمه مالی، یا قطع عضو و یا قتل انجام می‌گردیده^{۱۷} که موضوع قابل تأملی است؛ زیرا در قوانین فعلی زندان یکی از مجازات‌ها و عناصر جدانشدنی کیفر است. در حالی که بسیاری از جرم‌شناسان نه تنها آن را مجازات مفیدی نمی‌دانند، بلکه در بسیاری از موارد آن را تشدیدکننده جرائم بعدی از سوی زندانیان می‌شمارند. حتی در راستای سیاست‌های قضازدایانه، جنبش حبس‌زدایی و جایگزین‌های مجازات حبس امروزه طرفداران بسیاری پیدا کرده و در حقوق داخلی ایران نیز نمود بارز آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متبلور گشته و با این نگاه یک فصل از این قانون به این امر اختصاص پیدا کرده است.

از خصوصیات قانون حمورابی آن است که به موجب آن، قوانین محلی در سراسر امپراطوری لازم‌الاجرا گردیده و مجازات‌های شدیدی برای برخی از جرائم به خصوص برای تجاوز به حریم مقدس زناشوئی مقرر گردیده است. برای مثال در مورد زنا، محصنه، کیفر زن و مرد زناکار هر دو اعدام بوده است^{۱۸} که در قوانین اسلامی نیز این امر دیده می‌شود.

۱۳. Amorite

۱۴. Naru

۱۵. وستورک و دیگران، همان، صص ۲۵۸ - ۲۵۹

۱۶. احمد ولایی، «قوانین حمورابی»، ارمغان، دوره ۲۰، ش ۳، ۱۳۱۸، ص ۱۷۱

۱۷. محمد علی نجفی، «نگاهی به قانون حمورابی»، حقوق امروز، ش ۲۹، ۱۳۵۲-۵۳، ص ۴۰

۱۸. کاکویی، «نخستین قانون نوشته»، مهنامه قضایی، ش ۵۰، ۱۳۴۹، ص ۶۳

ناگفته نماند مسئولیت و مجازات در این دوران جنبه شخصی و انفرادی نداشت. بدین معنا که نه تنها شخص مرتکب، بلکه کسان و اقوام وی نیز معاف از مجازات و تعقیب نبودند. در بند ۲۳۰ قانون نامه حمورابی آمده است که هرگاه در اثر خرابی منزل، پسر صاحب خانه فوت نماید، باید فرزند معمار به انتقام مرگ فرزند صاحب خانه به قتل برسد.^{۱۹} همچنین در امور پزشکی، هرگاه جراحی صدمات جسمانی فاحش به مریض وارد می آورد، مقرر بود که دست او را قطع کنند، ولی اگر فرزند شخص بزرگی را هلاک می ساخت، باید فرزند جراح، به جای فرزند درگذشته به قتل می رسید.^{۲۰}

۵. قوانین هیتی ها

هیتی ها گروه کوچکی از اقوامی بودند که به زبان خانواده هندواروپایی صحبت می کردند. هیتی ها حکومت خود را به عنوان یک قدرت سیاسی در طول قرن هفدهم (ق.م.) بنا نهاده و تا شروع قرن دوازدهم (ق.م.) به حکومت خود بر آناتولی ادامه دادند. مجموعه قوانین هیتی اولین قانون مدون در اوایل سلطنت کهن است (۱۵۰۰-۱۶۵۰) که چهار نسخه از آن، نسخ قانونی مربوط به دوره هیتی کهن بوده و الباقی نسخی هستند که در طول دوران هیتی میانه یا هیتی جدید شکل گرفته اند (۱۵۰۰-۱۱۸۰). نسخ مربوط به دوره هیتی کهن به زبانی متروک و خطوط میخی نگارش یافته که نمایانگر سلطنت کهن هیتی است. در واقع تنها یک نسخه از هیتی جدید، قانون گذشته را اصلاح می نماید و سایر نسخ به امروزی کردن زبان نسخ کهن هیتی بسنده می کنند. متن اصلاح شده توسط هیتی جدید «نسخه مشابه» آن نامیده می شود که در برگیرنده ۴۱ بخش بوده و نوعاً توسط متخصصین جدید و با اعداد رومی شماره گذاری شده است، که مشخص می کند حتی در دوران کهن نیز به اصلاح و بهبود قوانین اهمیت ویژه ای می داده اند. قوانین بر اساس آنچه حقوق عرفی نامیده می شود، تدوین گردیده اند. قوانین هیتی ها را شاید بتوان یکی از بنیان های مفهوم مجازات معین در قبایل فعلی معین دانست؛ زیرا در این قوانین فعل و مجازات مرتبط با آن به این شکل بیان شده است: «هرگاه کسی چنین و چنان کند» یک ضمانت اجرای قانونی آمده که «او باید... شکل نقره بپردازد» یا «او باید بمیرد» یا «آنها باید او را...» یا چیزهایی نظیر این. از مواردی که در قوانین هیتی به آن اشاره شده، می توان به قتل، ضرب و جرح، سرقت و فرار بردگان، ازدواج، تصرف زمین، سرقت حیوانات

۱۹. مرتضی محسنی، مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۶

۲۰. کیومرث کلاتری، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، بابل سر: نشر دانشگاه مازندران، ۱۳۷۵، ص ۲۴

۱۱۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

یا صدمه زدن به آنها، سرقت اشیاء یا خسارت رساندن به آنها، جرائم جنسی، سرقت گیاهان و یا ایراد خسارت به آنها اشاره کرد.^{۲۱}

متن قانوننامه هیتیایی شامل دویست بند یا ماده است که مواد ۱۱۴ تا ۱۱۸ و ۱۳۳ تا ۱۴۱ آن مخدوش شده یا مبهم است و پس از قانوننامه حمورابی (۲۸۲ ماده) در میان الواحی که تا کنون کشف و ترجمه شده، مفصلترین قانوننامه بین‌النهرینی به شمار می‌رود. تعداد کمی از مواد این قانون نامه به جرائم و مجازات‌ها (حقوق کیفری) تعلق دارد. کاهش شدت مجازات‌ها را در قوانین هیتی‌ها نسبت به قوانین حمورابی، شاید بتوان الگویی در کم کردن خشونت در مجازات در قوانین حاضر دانست.^{۲۲}

جالب این است که در قوانین هیتی‌ها حیوانات قابل مجازات شدن بودند. برای مثال در مواد ۱۸۷ و ۱۸۸ این قانون در مورد آمیزش با حیوانات صحبت شده است که در هر دو مورد حیوان را می‌کشند؛ اما انسان ممکن است در این بین کشته شود و یا زنده نگه داشته شود.^{۲۳} بررسی علت مجازات حیوانات در قوانین گذشته به محققان کمک کرد تا یکی دیگر از جنبه‌های نظام سزادهی^{۲۴} را بهتر درک کنند. در طی تحقیقی از آزمون شوندگان سؤال شد که آیا حاضر هستند حیوانات را نیز در قبال صدمه‌ای که به آنها وارد کرده‌اند، مجازات کنند یا خیر. محققان در قبال پاسخ داوطلبان به طور شگفت‌آوری به این نتیجه رسیدند که مجازات کردن حیوانات به افراد کمک می‌کند تا حس انتقام خود را تسکین دهند. این امر نشان داد که مجازات برای بسیاری از افراد صرف تنبیه مجرم نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد حتی می‌تواند جنبه انتقامی (حتی در مورد حیواناتی که توانایی درک عمل خود را ندارند) داشته باشد.^{۲۵}

۶. قوانین آشوریان میانه

حقوق آشور که عمدتاً با اصطلاح «قوانین آشوری» شناخته می‌شود، در زمان سلطنت تیکلت

۲۱. هری هافتر، قوانین هیتی‌ها: قانون نامه‌ای از آسیای صغیر، ترجمه فرناز اکبری رومنی، با دیباچه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات حقوقی، ۱۳۸۴، صص ۲۵-۳۲

۲۲. همان، صص ۶-۷

۲۳. همان، ص ۷۷

۲۴. Retributive justice

۲۵. G. P. Goodwin & D. M. Gromet, "Punishment", Wiley Interdisciplinary Reviews: Cognitive Science, 5(5), 2014, p. 568.

سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجده میلادی ۱۱۷

پیلسر^{۲۶} در قرن ۱۲ قبل از میلاد مسیح جمع آوری گردیده است. هرچند بنا به قول مشهور، تکوین قوانین مزبور به چند صد سال قبل از این تاریخ برمی گردد. یکی از وجوه تمایز این قوانین نسبت به قوانین مشابه، وجود مجازات های بی رحمانه رنگارنگ و نیز نگاه خفت بار و اسفناک این قوانین نسبت به زن است. چنین قوانینی می توانند سر رشته ایجاد برخی ناهنجاری ها فرهنگی را در قوانین فعلی بعضی از کشورها شرح دهد. با بررسی این نمونه ها حقوق دانان می توانند به علت یابی این ناعدالتی ها بپردازند و قوانین فعلی را بهبود ببخشند. در واقع یافتن منشأ و مبدأ این گونه بی عدالتی ها، ما را از وجود آنها در قوانین فعلی آگاه می کند و به قانون گذاران نیز در پی حذف آنان کمک بسیاری می کند.

حقوق کیفری آشوری، الهام بخش چهار اصل بزرگ گردیده است، که هرچند به صورت نظری بیان نشده اند، روح آن اصول به کالبد بسیاری از مقررات کیفری دمیده شده است. در قالب های نوین امروزی، اصول مزبور را می توان به نحو زیر بیان نمود:

- اصل اول: مسئولیت کیفری، شخصی است. به این معنی که تنها فرد گنهکاری که مرتکب عمل مجرمانه شده است، قابل مجازات خواهد بود. این اصل که در حقوق جزای امروزی اصلی بدیهی به شمار می رود، همیشه مجری نبوده، و پیدایش آن در نظام کیفری آشور باستان بر حسب بعضی قرائن، نقطه عطفی در جهت پیشرفت حقوق بوده است و در متون متعدد شناخته شدن مسئولیت کیفری انفرادی و شخصی کردن این مسئولیت به معنای پشت سر گذاشتن نظام پیشین مسئولیت کیفری اشتراکی ذکر شده است. برای مثال، زنی که مرتکب کفرگویی و توهین به مقدسات مذهبی شده، خود شخصاً مجازات خواهد شد و به شوهر، پسران و دختران وی تعرضی صورت نخواهد گرفت.^{۲۷}

- اصل دوم: مسئولیت کیفری مستلزم وجود قصد مجرمانه است.

- اصل سوم: مجازات باید با جرم ارتكابی متناسب باشد.

- اصل چهارم: در مقابل جرم یکسان باید کیفری یکسان و واحد اعمال گردد.^{۲۸}

این چهار اصل را می توان به راحتی در اکثر قوانین حقوق کیفری سرتاسر دنیا یافت و لازم به ذکر است که هر چهار مورد در تحقق عدالت کمک شایانی کرده اند.

۲۶. Teglathphasar

۲۷. ماده ۲

۲۸. وستبورک و دیگران، همان، صص ۹۳-۹۸

ب) در حقوق ایران باستان

در مورد ایران باستان که از ۵۵۰ ق.م مسیح (تشکیل دولت هخامنشی) شروع می شود و در سال ۶۵۱ بعد از میلاد، یعنی انقراض سلسله ساسانیان با تسلط اعراب پایان می گیرد و فرمانروایی سه سلسله هخامنشی (۳۳۰-۵۵۰ ق.م)، اشکانیان (۲۴۸ ق.م- ۲۲۴ م) و ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ م) را در برمی گیرد، اسناد و مدارک مستدل و قابل اطمینانی در دست نیست. با این وجود، با توجه به آثار تاریخی و متون باقی مانده از این دوران، می توان مشخصات قوانین کیفری در عهد باستان را استخراج و بررسی کرد.^{۲۹}

کوروش کبیر در قرن پنجم قبل از میلاد پس از فتح بابل منشوری صادر کرد که بسیار قابل توجه است. او در این منشور برخی از حقوق و آزادی ها، از جمله آزادی عقیده و ایمان را به مردم آن زمان اعطا کرد. کوروش فرمان داد که به مردم شهر بابل آزادی نرسد، همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و بی دینان تحت فشار قرار نگیرند. خانه های آنان را که خراب شده بود، از نو ساخت و معابد آنان را باز کرد و خدایان معابد را به جای خود بازگردانید.^{۳۰} لوحه هایی از منشور که به زبان بابل است پس از جنگ جهانی اول، توسط باستان شناسان انگلیسی در محل شهر قدیمی بابل کشف شد و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می شود.^{۳۱}

به فرمان داریوش مجموعه ای از اصول و مقررات حقوقی برای مردم امپراتوری ایران تنظیم شد که تا حد زیادی از قانون نامه حمورابی اقتباس شده بود. همچنین بسیاری از مقررات و قوانین ایران باستان در کتاب دینکرد که در دوره ساسانیان تدوین شده، باقی مانده که ظاهراً مقررات واحدی را برای تمام مردم امپراتوری برقرار می ساخته است. از شواهدی که در این دوران باقی مانده، مشخص می شود که در تعیین و اجرای مجازات ها، سوابق شخصی و اجتماعی متهم در نظر گرفته می شده، یا لاقلاً این سوابق را به منظور تقلیل و تعدیل مجازات مورد توجه قرار می دادند.^{۳۲} بررسی سوابق مجرم یکی از بهترین ابداعات آن دوره از تاریخ است که در قوانین فعلی کشور ما آن گونه که باید به آن توجه نشده است. آخرین تلاش ها در این زمینه به تصویب ماده ۲۰۳ از قانون جدید آیین دادرسی کیفری برمی گردد که از تیرماه سال

۲۹. رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۷۳

۳۰. کلاتری، همان، ص ۲۵

۳۱. زین العابدین قربانی، اسلام و حقوق بشر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۷۳

۳۲. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، صص ۱۳۱ - ۱۳۲

جاری لازم‌الاجرا خواهد شد. این ماده تشکیل پرونده شخصیت را در جرائمی مانند سلب حیاط، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر از آن توسط بازپرس و در مرحله دادسرا الزامی می‌داند و در آن ذکر گزارش مددکاری در خصوص وضع مادی و خانوادگی و اجتماعی متهم و گزارش پزشکی و روان پزشکی پیش‌بینی شده است. پرونده شخصیت به قضات کمک می‌کند تا به علت‌یابی جرم بپردازند و نیز در اجتماعی کردن مجرمان و جلوگیری از تکرار جرم مؤثر است.

در ایران باستان، تعریفی مشخص از جرم وجود ندارد. در این دوران جرائم گوناگونی وجود دارند، بی‌آنکه بتوان طبقه‌بندی خاصی ارائه داد و با توجه به این انواع، جرم عبارت است از هر اقدامی که به دین، پادشاه و خانواده او یا به عامه مردم لطمه وارد کند؛ که البته تشخیص این صدمه اغلب با شخص پادشاه یا قضات شاهی است.^{۳۳}

به طور کلی، مجازات‌های ایران باستان فوق‌العاده سخت بود. ریچارد فرای، در کتاب میراث باستانی ایران، در مورد مجازات‌های دوره هخامنشی چنین می‌نویسد: «در منابع یونانی از سختی و قساوتی که در اجرای قوانین به کار می‌رفته گفت‌وگو شده است. کیفرها معمولاً بسیار سخت بود. از جمله کشتن، مثله کردن و نفی بلد بسیار رایج بود و ظاهراً در دادگستری اصل مسئولیت خویشان اعمال می‌شد». قوانینی که مخصوصاً برای کیفر خیانت‌پیشگان و فراریان جنگ وضع شده بسیار سخت است. مثلاً خیانت یک فرد مستلزم هلاک همه خویشانش می‌شود». اگر این گفته درست باشد و دلیلی بر تردید در آن نیست، زیرا تا دوران اخیر در جوامع سنتی مسئولیت کیفری جمعی و غیر شخصی بوده است. معلوم می‌شود در ایران باستان گناه مجرمین به خویشان و بستگان آنان نیز سرایت می‌کرده است.^{۳۴} سخت بودن مجازات‌ها در قوانین دوره ایران باستان می‌تواند به حقوق‌دانان کنونی کمک بسیاری کند. سخت بودن مجازات نشانه جنبه تریبی مجازات است. در صورتی که حتی با شدت مجازات‌ها میزان جرم و جنایت کم نشده باشد، می‌توان تا حدی به این نتیجه رسید که جنبه ارعایی مجازات نمی‌تواند به تنهایی جلوی جرم را بگیرد.

یکی از مسائلی که می‌توان آن را در قوانین کنونی نیز مشاهده کرد و سر منشأ آن را در چنین قوانینی دانست، مجازات اطفال است. در آن زمان اطفال تا سنین ۷ یا ۸ سالگی مسئولیت

۳۳. نوربها، همان، ص ۷۶

۳۴. صانعی، همان، صص ۱۳۴ - ۱۳۵

نداشتند و پس از آن تابع تشریفات بزرگسالان بودند، با این توضیح که مجازات آنها تا ۱۶ سالگی خفیف تر بوده است.^{۳۵}

با توجه به انواع مجازات های متداول در عهد باستان و نحوه اجرای آنها، به نظر می رسد که مهم ترین هدف چنین مجازات هایی در درجه اول حفظ نظم و پس از آن، ایجاد رعب و هراس بوده است. مجازات اعدام، کور کردن، حبس کردن در سیاه چال، تازیانه و زنجیر کردن زندانی از جمله مجازات های متداول در این دوره بوده است.^{۳۶}

ج) در حقوق رم و یونان

مهم ترین برنامه های تدوین قانون در یونان و رم باستان قوانین سولون، قوانین گورتین^{۳۷} و الواح دوازده گانه رومی بود. پیش از سولون، در قرن هفتم ق.م. قانون گذاری دراکون وجود داشت. قوانین دراکون (سردار یونانی) به مسئله تعقیب قتل می پرداخت. ارسطو تأسیس یک قانون اساسی را به سولون نسبت می دهد. این اسناد ممکن است اشتباه تاریخ نگاری باشد. زیرا تنها از قرن چهارم ق.م. به بعد، سولون را بنیان گذار یک قانون اساسی دانستند. اما اشاره ارسطو به ماهیت مردمی یا دموکراتیک قوانین سولون صحیح است. مهم ترین منبع قانون گذاری قبل از دوران هلنیستی^{۳۸}، قانون نامه ای است که در شهر کرت پیدا شده است. این قانون نامه، کتیبه ای متعلق به قرن پنجم ق.م. است و با حکمی آغاز می شود که یکی از بنیادی ترین اصول قانون است و مطابق آن از بسیاری از ناحقی ها و به ویژه بی نظمی ها جلوگیری شده است. این قانون مقرر می دارد افراد حق ندارند اجرای قانون را در دست خود گرفته، شاکی و نیز قاضی خویش باشند (از اولین مواردی که به تأسیس مجری قانون اعتبار بخشید). این کتیبه قوانینی در خصوص تجاوز به عنف و زنای محصنه (قابل مجازات با جریمه مالی) ازدواج، ضمانت و مسئولیت را مطرح می کند.^{۳۹}

قانون الواح دوازده گانه رومی در سال ۴۵۰-۴۴۹ ق.م. در تلاش برای کنترل نزاع و دشمنی

۳۵. نوربها، همان، ص ۷۹

۳۶. محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۲۹۲ - ۲۹۵

۳۷. گورتین (Gortyn) شهری باستانی است در جزیره ی کرت که امروزه جزء سرزمین یونان محسوب می شود.

۳۸. هلنی: فرهنگ یونان باستان؛ هلنیستی: مربوط فرهنگ، زبان و تاریخ یونان از مرگ اسکندر تا آگوستوس یعنی قرن ۴-۱ ق.م.

۳۹. ه. ج. کپینبرگ، «قانون و تدوین قانون»؛ ترجمه حسین بادامچی، مندرج در: تاریخ حقوق کیفری بین النهرین (مجموعه مقالات)؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص ۲۹-۳۱

سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجده میلادی ۱۲۱

میان طبقه پله بین (عوام) و پاتریسین (اشراف) و تأمین آزادی برای هر دو گروه تدوین شد. در ابتدای قانون نامه، مقررات کوتاهی در خصوص چگونگی آغاز و تعقیب دعوی حقوق آمده است و در لوحه هشتم به حقوق جزا پرداخته است. به عنوان نمونه، قتل عمدی مستوجب مرگ است.^{۴۰} در مورد سرقت، احکام متنوع وجود داشت؛ از پرداخت دو برابر ارزش مال مسروقه تا مجازات مرگ. البته حقوق عرفی قبل از تصویب الواح دوازده گانه، جرم سرقت را به رسمیت شناخته بود و به موجب این الواح، سرقت قاعده مند شد؛ اما ایراد خسارت به اموال به طور کلی آفریده قانون بود. دو نوع سرقت به رسمیت شناخته شد: ۱. سرقت مشهود که در آن سارق حین ارتکاب عمل دستگیر می شد؛ ۲. سرقت غیر مشهود که در آن سارق بعداً [پس از ارتکاب سرقت] دستگیر می شد. مجازات، تابعی از این تمایز بود. به هر حال، الواح دوازده گانه سرقت را تعریف نکردند؛ زیرا این مفهوم به خوبی شناخته شده بود و تعریف آن غیر ضروری می نمود.^{۴۱} در روم و یونان باستان، مجازات شلاق، هم به عنوان مجازات اصلی و هم به عنوان مجازات تبعی تعیین می شد و در الواح دوازده گانه در موارد زیادی از این مجازات نام برده شده است.^{۴۲}

اصل عدم مسئولیت و مجازات مردگان در یونان قدیم وجود نداشت و مرتکبین جرائم مهم، حتی پس از مرگ نیز تحت تعقیب و محاکمه قرار می گرفتند. مثلاً مقرر بود که هرگاه کسی خودکشی کند، دست وی قطع و در جای دیگر دفع شود. افلاطون نیز معتقد بود کسی که خودکشی کند، باید در زمین دورافتاده و خشک و سخت و بدون هیچ گونه تشریفات به خاک سپرده شود. در روم قدیم، در قرون اول و دوم میلادی، از محاکمه و یا مجازات درگذشتگان خودداری می نمودند.^{۴۳}

د) در حقوق کلیسایی قرون وسطی

حضرت مسیح در فلسطین و میان قوم یهود ظهور کرد. ظهور او مصادف با فرمانروایی اوکتاویانوس، نخستین قیصر روم، بود که از ۲۷ سال پیش از میلاد مسیح تا ۱۴ سال پس از

۴۰. همان، ص ۳۲

۴۱. پتر استین، «تفسیر و استدلال حقوقی در حقوق رم»، ترجمه رحیم فروغی نیک، مجله حقوقی دادگستری،

ش ۶۲ - ۶۳، ۱۳۸۷، صص ۲۷۹ - ۲۸۰

۴۲. زند و کیلی، «مجازات ها و تاریخچه آن ها»، ماهنامه قضایی، ش ۱۳۶، ۱۳۵۶، ص ۱۰۱

۴۳. محسنی، همان، ص ۸

میلادش فرمانروایی کرد. آیین او به تدریج در میان مردم روم و یونان ترویج یافت. تا این زمان، از نظر مذهبی، مفهوم جرم، مترادف با مفهوم گناه است. از نظر کلیسا نیز، جرم عملی است که اخلاق آن را مذموم دانسته و از طرف خدا منع گردیده است.^{۴۴}

تا پیش از قرن دوازدهم، گناه از جرم عادی منفک نبود و کلیسا بین آنچه که امروز می‌گوییم تقصیر واجد آثار خارجی و غیر واجد، تفاوتی قایل نبود و فرقی بین مجازات‌های کلیسایی به معنای اخص و مجازات‌های توبه‌ای وجود نداشت. تا این دوران، جرم هم تجاوز ساده از موازین اخلاقی به حساب می‌آمد و هم تابع مجازات‌های مذهبی کلیسایی بود. گرایش کشیش ایتالیایی سده دوازدهم، پایه‌گذار علوم و حقوق شرعی، در حکمی به سال ۱۱۴۰ میلادی از این تعریف که گناه یک کار بد عمدی است، الهام گرفته و اضافه می‌کند که ارکان تشکیل‌دهنده آن اراده، قصد و اختیار است. او زمانی دست به این کار زد که بزه و گناه در هم آمیخته بودند؛ به طوری که مفهوم بزه داخل در مفهوم گناه بود، اما عکس آن صادق نبود.^{۴۵} یکی از کارهای مهم حقوق دانان کلیسایی این بود که جرم را از گناه، که از نظر آنان به موجب آن انسان در مقابل خدا پاسخگو و مستوجب استغفار و توبه است، تفکیک کردند.^{۴۶} امری که در نظام‌های اجتماعی امروزی نیز قابل مشاهده است. در نظام اجتماعی امروزی بین رفتار غیراجتماعی (که گناه را نیز شامل می‌شود) و جرم تفکیک قایل شده‌اند. در واقع، جرم قسمتی از رفتار ضداجتماعی محسوب می‌گردد؛ اما برعکس آن صادق نیست. توجه به این تفکیک می‌تواند جلوی بسیاری جرم‌انگاری‌های بی اهمیت و هزینه‌بر را بگیرد؛ زیرا تعیین مجازات برای هر عمل غیراجتماعی نه تنها آزادی افراد را زیر سوال می‌برد، بلکه اهمیت جرائم مهم‌تر را کم‌رنگ می‌کند.

در قرون وسطی با اینکه مذاهب رسمی اکثریت کشورها سعی داشتند تحولی در مفهوم مسئولیت کیفری پدید آورند و به مسئولیت کیفری جنبه‌های شخصی و انفرادی دهند، باز هم در این مورد تغییری حاصل نگردید. نه تنها مردگان و یا حیوانات را محاکمه و مجازات

۴۴. بهمن حسینیجانی و مسعود مظاهری تهرانی، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات مجد،

۱۳۸۹، ص ۲۳۴

۴۵. ام. ال. آبه متر، «مسئولیت جزایی در حقوق کلیسایی»، ترجمه علی اردلانی، مجله کانون وکلا، سال ۱۷، ش

۹۹، (۱۳۴۴)، ص ۴۳

۴۶. حسینیجانی و مظاهری تهرانی، همان، ص ۲۳۷

سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجده میلادی ۱۲۳

می نمودند، بلکه اقوام و کسان مجرم نیز، از تعقیب و محاکمه و محکومیت معاف نبودند. قضات حق داشتند علاوه بر شخص مرتکب، کسان و نزدیکان وی را هم تحت تعقیب قرار داده و مسئولیت را به خانواده مجرم سرایت دهند^{۴۷}، که ضعف قانون گذاری و اهمیت بررسی سیر تحول مسئولیت کیفری را نشان می دهد؛ زیرا اگر قانون گذاران آن زمان سیر تحول مسئولیت کیفری را مورد بررسی قرار می دادند می توانستند اصل شخصی بودن مجازات را نیز مورد استفاده قرار دهند و از بی عدالتی جلوگیری نمایند.

البته در برهه ای از زمان، با حاکمیت یافتن مذهب یون مسیحی نخست تعدیل هایی در مجازات و نحوه اجرای آنها به وجود آمد؛ ولی با گذشت زمان، مجازات ها در دوران قرون وسطی در اروپا به قدری شدید اجرا می شدند که در تاریخ کیفری اروپا، این بازه زمانی، دوران «سیاه و تاریک»^{۴۸} لقب گرفت. در این دوران، مجازات مرگ برای هر جرمی امکان پذیر بود.^{۴۹} رادزینوویچ، جرم شناس معروف لهستانی، در کتاب معروف خود در مورد تاریخ حقوق کیفری بریتانیا چنین می گوید: «در زمان هنری هشتم به طور میانگین سالیانه دو هزار نفر به جرم سرقت ساده^{۵۰} و سرقت با قهر و غلبه از افراد^{۵۱} اعدام می شدند»^{۵۲}.

به طور کلی برقراری قانون و نظم در دوران قرون وسطی به سختی انجام می گرفت؛ زیرا در آن دوران دموکراسی وجود نداشت و بنابراین قانون تبعیض آمیز بود. اگر به خاطر قوانین سخت و خشن موجود در دوران قرون وسطی نبود، هرج و مرج در آن عصر غالب می گشت. این مورد نیز مانند شدت مجازات هایی که در قوانین ایران باستان وجود داشت، قابل بررسی و تأمل است. حقوق دانان با مطالعه این دو دوره می توانند به یک نتیجه مشخص در مورد برقراری نظم با استفاده از خصوصیت ارباب مجازات ها برسند. مطالعه تأثیر جنبه تهدیدی مجازات، می تواند در دوره هایی مانند جنگ، که اصول اجتماعی و فرهنگی زیرورو می شوند، اهمیت ویژه ای پیدا کند؛ زیرا آنچه مشخص است، در قرن بیست و یکم مجازات های شدید

۴۷. محسنی، همان، ص ۱۰

۴۸. Dark ages

۴۹. علی صفاری، کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص ۴۹

۵۰. Theft

۵۱. Robbery

۵۲. L. Radzinowicz, "A history of English criminal law and its administration from 1750", the movement for reform, London: Stevens & Sons Ltd. 1948. Vol. I

نتیجه‌ای جز انزجار از قانون ندارد.

در آن دوره، هر شخص متهم، مشروط به یک اوردالی^{۵۳} بود. جالب اینکه انواع گوناگونی از اوردالی وجود داشته‌است. برای مثال اوردالی آتش، اوردالی با آب سرد، اوردالی با قرص نان (متهم را مجبور می‌کردند که یک قرص نان را بدون جویدن بلعد و اگر خفه نمی‌شد، بی‌گناه بود) و مانند آن^{۵۴}.

ه) در حقوق اسلامی

مطالعات تاریخ تحولات حقوق کیفری نشان می‌دهد که نظام کیفری اسلام، نخستین نظامی است که دوازده قرن قبل از نظام‌های حقوق عرفی، سیاست کیفری خاصی را با برقراری انواع مجازات‌های اسلامی پی‌ریزی و دنبال کرده‌است. هدف اسلام از تدوین قوانین کیفری، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح بزه‌کاران از طریق امر به معروف و نهی از منکر و اجرای سایر دستورات اخلاق مذهبی و اصول دینی است، و هدف از اجرای مجازات‌ها تنها انتقام‌جویی یا شکنجه و آزار مجرمین و یا مجرد حفظ حقوق و تشفی خاطر مجنی‌علیه یا اولیای دم و مانند این‌ها نیست؛ بلکه هدف حفظ و حراست جامعه از بدی و مفاسد اجتماعی و اجرای عدالت کیفری است. اصول حاکم بر حقوق جزای اسلام عبارت‌اند از: اصل تساوی در مجازات‌ها، اصل قانونی بودن مجازات‌ها و اصل شخصی بودن مجازات‌ها. قبل از استقرار دین اسلام در شبه‌جزیره عربستان، مسئولیت کیفری مجرمین و اعمال مجازات منحصر به شخص مرتکب جرم نبود؛ بلکه عملاً اعضای خانواده مجرم نیز که به هیچ وجه در ارتکاب جرم مداخله‌ای نداشتند، از مجازات معاف نبودند و مسئولیت کیفری جنبه گروهی پیدا می‌کرد. اما اسلام با پذیرفتن اصل شخصی بودن مجازات‌ها، احکام جزایی را تحت نظم و قاعده خاصی درآورد و رعایت این قاعده را به عنوان یک اصل مسلم بر اعمال مجازات‌ها حاکم کرد^{۵۵}. آیات زیادی از قرآن کریم معید اصل شخصی بودن مجازات‌ها است.^{۵۶} این اصل اگرچه در برخی موارد محدود می‌شود، مانند مسئولیت عاقله و لزوم اجرای مجازات دیه بر او، اما در مفهوم خاص مجازات، اصل شخصی بودن اعتبار دارد.

^{۵۳}.Ordeal

^{۵۴}.<http://www.medievality.com/law-and-order.html>

نتیجه گیری:

عرصه حقوق عرصه ابداعات بشری است و هر ابداعی لازمه اش تغییر و تحول به سمت ترقی است. مفهوم مسوولیت کیفری نیز از این قاعده مستثنی نیست. در روند قانون گذاری نصب العین قرار دادن گذشته، نگاه به امروز و اندیشه فردایی بهتر ضروری است. عبرت از گذشته صرفاً نه با دید تاریخی و اطلاعی بلکه با دید انتقادی و تحلیلی امری لازم است. نفی و یا تایید تمامی گذشته ها امری مذموم و در مقابل استفاده گزینشی امری مطلوب است. هر عملی که بر نظری دقیق استوار نداشته باشد یقیناً یا به مطلوب نخواهد رسید یا در رسیدن به کمال هزینه را افزایش خواهد داد. در این خصوص بررسی مفاهیم گذشته با دید تحلیلی و انتقادی خود موجبی است برای استفاده از تجربیات گذشتگان و عدم صرف هزینه مجدد. در حوزه علوم انسانی با مرگ نظریه ها مواجه نیستیم بلکه با استعاره از مفاهیم طبیعت، با خواب زمستانی روبه روایم. یک اندیشه دارای افول است لکن مرگ آن غیر ممکن است. لذا با استقراء در اندیشه اندیشمندان گذشته و تطبیق آن با زمان حاضر هزینه فرصت کمی را متحمل خواهیم شد؛ همانطور که در یک عصر وجوه مشترکی وجود دارد، در اعصار تاریخی هم گاهها وجوه مشترکی وجود دارد که با بررسی تاریخی و تحلیلی رویکرد انتقادی برای جامعه مفید خواهد بود.

منابع و مأخذ

کتابها

- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، ۱۳۸۹، چاپ بیست و یکم، جلد دوم.
- حسینیجانی، بهمن و مسعود مظاهری تهرانی، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹، چاپ اول.
- صالح ولیدی، محمد، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵، چاپ دهم، جلد اول.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، چاپ اول.
- صفاری، علی، کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، چاپ چهارم.
- قربانی، زین العابدین، اسلام و حقوق بشر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، چاپ سوم.
- کلاتری، کیومرث، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، بابلسر: نشر دانشگاه مازندران، ۱۳۷۵، چاپ اول.
- محسنی، مرتضی، مسئولیت کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶، چاپ اول.
- نوریها، رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸، چاپ بیست و هفتم.
- وستبروک، ریموند، حقوق سومری، «تاریخ حقوق کیفری بین النهرین» (مجموعه مقالات)؛ مقاله دوم، چاپ اول، (ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- وستبروک، ریموند و دیگران، تاریخ حقوق بین النهرین باستان آغاز قانون‌گذاری، ترجمه گودرز افتخار جهرمی و دیگران، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
- هـ. ج. کینبرگ، «قانون و تدوین قانون»؛ ترجمه حسین بادامچی، مندرج در: تاریخ حقوق کیفری بین النهرین (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳، چاپ اول.
- هافنر، هری، قوانین هیتی‌ها، قانون‌نامه‌ای از آسیای صغیر، ترجمه فرناز اکبری رومنی، با دیباچه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات حقوقی، ۱۳۸۴، چاپ اول.

مقالات

- آبه متز، ام. ال، «مسئولیت جزایی در حقوق کلیسایی»، ترجمه اردلانی، علی، مجله کانون وکلا، سال هفدهم، شماره ۹۹، ۱۳۴۴.
- استین، پیتر، «تفسیر و استدلال حقوقی در حقوق رم»، ترجمه رحیم فروغی نیک، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، ۱۳۸۷.

سیر تحول مفهوم مسئولیت کیفری قبل از قرن هجده میلادی ۱۲۷

- بادامچی، حسین، «قتل در قوانین باستانی: بحثی در تاریخ حقوق»، *مجله حقوقی دادگستر*، شماره ۳۳، ۱۳۷۹.
- راس، مارتا.ت و دیگران، «قوانین اشونا: یادگار حقوق دانان باستانی»، ترجمه حسین بادامچی، *مجله حقوق دادگستر*، شماره ۳۷، ۱۳۸۰.
- کاکوئی، «نخستین قانون نوشته»، *ماهنامه قضایی*، شماره ۵۰، ۱۳۴۹.
- محمد جعفر، حبیب زاده و حسین فخر بناب، «مقایسه عوامل موجب جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری»، *فصلنامه علمی پژوهشی مدرس*، دوره نهم، شماره سوم، ۱۳۸۴.
- نجفی، محمد علی، «نگاهی به قانون حمورابی»، *حقوق امروز*، شماره ۲۹، ۱۳۵۲-۵۳.
- وکیلی، زند، «مجازات ها و تاریخچه آنها»، *ماهنامه قضایی*، شماره ۱۳۶، ۱۳۵۶.
- ولایی، احمد، «قوانین حمورابی»، *ارمغان*، دوره بیستم، شماره ۳، ۱۳۱۸.
- Goodwin, G. P., & Gromet, D. M. , "Punishment", Wiley Interdisciplinary Reviews: Cognitive Science, 5(5),2014,pp. 561-572.
- Radzinowicz, L, "A history of English criminal law and its administration from 1750", the movement for reform, London: Stevens & Sons Ltd. 1948. Vol. I

منابع اینترنتی

- <http://www.medievality.com/law-and-order.html>